

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی

غیردولتی - غیرانتفاعی

جامع شیخ بهائی

جلد داخلی دانشگاه شیخ بهائی

ویژه نامه محفل عبادت سرگشته





مقام معظم رهبری: "حفظ انقلاب از واجب ترین فرایض است."



عنوان مجله:

ویژه نامه دهه فجر انقلاب اسلامی

(جامع شیخ بهایی مجله داخلی دانشگاه شیخ بهایی)

سال ۱۴۰۰

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود خاتون آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی

سردبیر:

مهندس سید محمد مهدی تابعی

طرح جلد، صفحه آرای و مونتاژ: مریم کاظمی

رایانامه مجله:

jshbu@shbu.ac.ir

جایگاه جوانان در دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردید. در این بیانیه مقام معظم رهبری ضمن تبیین دستاوردهای بزرگ چهار دهه گذشته بر استمرار راه انقلاب اسلامی با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی توصیه های لازم را ارائه نموده؛ و همه ملت ایران به ویژه جوانان غیور وطن را مورد خطاب قرار می دهند تا انقلاب را به آرمان های بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی است نزدیک نمایند. مقام معظم رهبری در این بیانیه انقلاب اسلامی را که با توجه به شرایط موجود و سلطه مستکبران بر جهان آغازگر عصر جدیدی در عالم است، همچنان پایبند به اهداف و شعارهای انقلابی



خود اعلام نموده و آن را حامی مستضعفان جهان و مایه سربلندی ایران و ایرانی می نامند.

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم خود عمدتاً جوانان را مورد خطاب قرار داده اند؛ که این مسئله نمی تواند بی دلیل باشد. و لازم است تا ابعاد آن برای جوانان به ویژه دانشجویان عزیز که نخبگان کشور و آینده سازان این مرز و بوم هستند آشکار گردد.

البته رهبر انقلاب در سخنان و پیام های بسیاری

به مسئله جوانان و لزوم جوان گرایی پرداخته اند، و بارها و بارها آنها را آینده سازان انقلاب معرفی نموده اند. و در بیانیه گام دوم به صراحت آنان را مورد خطاب قرار داده و می فرمایند: "جوانان عزیز..... محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تاثیر اساسی در منطقه، و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه ای بالا در دانش ها و فناوری های مهم از قبیل هسته ای و سلول های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، ، سرآمد در انگیزه های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژه گی های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت گیری های انقلابی و جهادی است..."

اما درباره نیروی جوان مورد نظر مقام معظم رهبری قطعاً نظر ایشان بر جوانان خام و بی تجربه و بی بهره از علم و دانش نیست. و طبق سخنان ایشان: "نه هر جوانی، بلکه، جوانی که احساس تعهد کند، احساس مسئولیت کند." (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱)



در کل ایشان برای جوان سه خصوصیت را لازم می دانند که در صورت تقویت این سه خصوصیت یک جوان می تواند راه اسلامی را به راحتی پیدا کند؛ این خصوصیات عبارتند از: (انرژی، امید و ابتکار)

رهبر انقلاب در این باره می فرمایند: "جوان باید مومن، انقلابی، پاکدامن، وابسته به کشور، مستعد برای خدمت به مردم تربیت بشود؛ و الا اگر جوانی باشد که احساس مسئولیت نکند هیچ به سرنوشت کشور اصلا اعتنایی نداشته باشد، با معلومات بالا هم از دانشگاه بیرون بیاید، چه فایده ای برای کشور خواهد داشت؟" (بیانات در دیدار جمعی از استادان و نخبگان ۳۱۹۸/۲/۸)

این دیدگاه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به جوانان دارای اهمیت خاصی می باشد؛ که در زیر به نقل مستقیم فرازهایی از آن می پردازیم:

جوانان یا محور تحقق نظام پیشرفته ی اسلامی

"اما راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخار آمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود، مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در هر میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند"

همچنین از نظر رهبر عزیز انقلاب نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، مهمترین ظرفیت امید بخش کشور می باشد. زیرا ایشان در ادامه می فرمایند: "نکته مهمی که باید آینده سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می کنند که از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی، کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت ها با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی استفاده یا کم استفاده مانده است. همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهمترین ظرفیت امید بخش کشور، نیروی انسانی مستعد کارآمد با زیربنایی عمیق و اصیل ایرانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نیز در سنین میانه ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانان که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی تواند شد."

با امید به آنکه جوانان و نخبگان عزیز کشورمان، دانشجویان انقلاب و متدین وطن سخنان رهبر بزرگ انقلاب را همواره در نظر داشته و در تمام مراحل زندگی، کار و فعالیت به آن عمل نمایند.

تلاو یک ستاره



... نور و روشنائی از یاد رفته بود، و در تاریکی‌های تو در تو به توهم روشنی و روشنائی می‌چرخیدیم، چاه را راه، جهل را دانش و هوس را خرد می‌پنداشتیم، تا این که ناگهان تلاؤ ستاره‌ای توجه ما را به خود جلب نموده، رنگ روشنائی را دوباره یادآور ساخت، پس از آن با آگاهی به سمت و سوی روزنه‌های رهایی حرکت نمودیم، تا آن‌گاه که پخته و آماده شدیم، نفَس رحمانی دمیدن گرفت و منت آسمانی بر مستضعفین آگاهی یافته و فریادخواه که به دنبال ولی و ناصر می‌گشتند نهاده شد و....

و هم اکنون وارد چهل و دومین سال روشنائی پس از ظلمت شدیم؛ به‌راستی هم اکنون کجا هستیم؟
آیا در اوجیم و یا در راه؟

آیا تند می‌رویم و یا افتان و خیزان؟

و آیا... و آیا درست می‌رویم یا...؟

این‌ها و سؤالاتی مشابه آن را همیشه و همواره باید فراروی خود نگاه داریم و دائم مطرح نماییم تا به سرنوشت برخی از انقلاب‌های تاریخ معاصر مبتلا نگردیم.

درست است که هرچه از انقلاب بگذرد زمینه استحکام پایه‌های آن بیش از پیش فراهم می‌گردد، ولی این که بپنداریم حرکت انقلاب به موازات استحکام زیربناها از خطرات آن می‌کاهد، به‌نظر صحیح نمی‌رسد و تجربه نیز این را نمی‌گوید؛ بدیهی است که آفات بزرگی همواره یک انقلاب را تهدید می‌کند که شاید بتوان آن را این‌گونه برشمرد:

- غفلت از آن‌چه بدان دل بسته بودیم و بر اساسش حرکت انقلابی را آغاز نمودیم (اهداف انقلاب)؛
- آری غفلت از چیزی که اگر مدّ نظر انقلابیون نمی‌بود هرگز انقلابی صورت نمی‌گرفت!
- جایگزین شدن خودخواهی و پاسداری از منافع شخصی به‌جای حق‌طلبی و حق‌خواهی!
- حال اگر خود و جامعه خود را محک بزنی، زنگ خطر و یا زنگ خطرهایی را به‌وضوح می‌شنویم؛ زنگ خطر از خود، و نه از بیگانه! از داخل، و نه از خارج! از درون، و نه از بیرون!
- و بنیادگر انقلاب چه نیکو و به‌حق گفت که نماد استکبار هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. آری؛ بسیار درست و به‌جا فرمود، ولی نفرمود که نگران خودخواهی‌ها و هوای نفس نباشید که هیچ غلطی نمی‌تواند بکند! بلکه همواره در



رابطه با آن هشدار داد، هر آن چه انقلابها را تهدید کرد و می‌کند و حتی پیام‌آوران الهی را - هر چند با ظاهری محترمانه - به‌سخره می‌گیرد ابر قدرت‌های بی‌شمار داخلی یعنی همان هوای نفس و خودخواهی‌هاست؛ همان چیزی که هر چه از بدو انقلاب فاصله می‌گیریم، بیش از پیش باید نگرانش باشیم.

بلی! ابر قدرت خارجی مستقلاً غلطی نکرد و نمی‌تواند بکند، بلکه هر چه کرد و می‌کند از طریق در خدمت گرفتن نفوس خودخواه است. افسوس که گویا هریک از ما به‌گونه‌ای دچار غفلت شده‌ایم که از غفلت خود نیز غافلیم و تنها نگران غفلت دیگران هستیم! هیچ‌یک در مورد خود و غفلت خود و احتمال غلبه خودخواهی خود کوچک‌ترین تردیدی نمی‌کنیم تا شاید از این رهگذر در افکار و رفتارمان کمترین تجدیدنظری کنیم، گویا که هریک از ما حق مطلقیم و غیر از من و ما هر چه هست باطل مطلق است!

بیاییم بار دیگر یکپارچه، همانند بدو انقلاب و همانند سال‌های پر حماسه‌ی دفاع مقدس، توحیدی شویم؛ البته این کاری است بسیار دشوار و حتی دشوارتر از اصل انقلاب، چراکه جهاد اکبر است، ولی چه کنیم که عامل ثبات و تداوم انقلاب، چیزی غیر از این نخواهد بود، و اگر این نباشد، جایگزینی برای آن هرگز نخواهیم یافت، زیرا منافع فردی با جهت الهی در تضاد و تعارض کامل است، و هرگز هم‌مسیر نبوده است.

به‌راستی رمز موفقیت و غلبه ظاهری - هر چند موقت - مخالفین حق و حقیقت در طول تاریخ و حتی در مورد استکبار معاصر چه بوده است؟ شاید اگر بیندیشیم در یابیم که به غیر از یکی بودن و اتحاد در حفظ منافع ملی‌شان عامل دیگری در کار نباشد! که اگر در جریان باطل تنها و تنها یک مثبت - که آن هم در جهت منفی از آن بهره گرفته می‌شود - وجود داشته باشد همین است! و همین جاست که باید متوجه خطای خود بشویم!

حقیقتاً چرا استکبار جهانی در باطل خود باید دید واحد باشد و ما در حق خود پراکنده؟ ای کاش روزی بپذیریم که ما هیچ‌یک نه صفریم و نه صد، و پیرامون ده‌ها نقطه اتفاق که در اختیار ماست جمع شویم؛ آن‌گاه مشاهده خواهیم کرد که خیر دنیا و آخرت از جانب خداوند بر ما سرازیر می‌گردد و این وعده تخلف‌ناپذیر الهی است.

خداوند به نبی گرامی(ص) دستور داد که اهل کتاب را مورد خطاب قرار دهد:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ*

آیا این خطاب و امثال آن در مورد وحدت و اتحاد بین نقطه و یا نقاط مشترک تنها مربوط به اهل کتاب است و ما با این همه وجوه اشتراک در باور و اعتقاد، نمی‌توانیم این گونه باشیم؟ افسوس که آن‌ها که جانشان از هم جداست در حفظ منافع یکی هستند و آن‌گاه که به منافع خود دست می‌یابند، در فرصت مناسب، بدون منازعه تقسیم غنائم می‌کنند و ما که جان‌هایمان باید متحد باشد این‌گونه‌ایم، و این گویا ویژگی تاریخی ماست، چراکه در جنگ احد در کنار رسول خدا نیز چنین بودیم و دیدیم که خداوند همان‌جا پیروزی ما را تبدیل به شکست کرد!

جان گلاوان و سگان از هم جداست متحد جان مردان خداست

امیرمومنان - علیه الصلوة والسلام - فرمود : وَ اللَّهُ يُمِيتُ الْقُلُوبَ وَ يَجْلِبُ إِلَيْهِم مِّنْ اجْتِمَاعٍ هَؤُلَاءِ عَلَىٰ بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ فَقُبْحاً لَّكُمْ!!!^۲

به خدا قسم قلب می‌میرد و غم و اندوه به وجود می‌آید از اجتماع این کفار در باطلشان و پراکندگی شما در حقتان!، پس زشتی بر شما باد!!!

آری، همان‌گونه که آن اندیشمند بزرگ، قبل از وقوع انقلاب اسلامی گفت: «انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است»، این واقعیتی عقلی و تجربی است، مشکل ما در انقلابی نماندن است! و انقلابی ماندن به شعار، و رنگ انقلابی به خودگرفتن نیست، بلکه حفظ کاربردی اهداف روشن و واضح انقلاب در همه زمینه‌ها و ترجیح دادن منافع فردی بر منافع جامعه انقلابی است، که از طریق اول تنها منافع فردیِ فردِ خودخواه حفظ می‌شود، و در این صورت از انقلابی بودن به جز رنگ و ادعا چیزی نمی‌ماند، و تنها در روش دوم است که منافع همه اقشار محفوظ مانده، انقلاب اسلامی تثبیت می‌گردد.

به امید بازگشت ما به خویشتن الهی خویش و آمادگی جهت استمرار دمیدن نفس رحمانی، تا از این رهگذر به فرهنگ و درک شناخت و پذیرش انسان کامل یعنی ولی الله اعظم دست یافته، شاهد ظهور آن جلوه عظیم الهی گردیم، والعاقبه للمتقين.





جایگاه علم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*

یک راه رسیدن به قدرت علم و فناوری است، که مورد تایید دین مبین اسلام نیز می‌باشد و راه دیگر راه معنوی و حقیقی است. اما ما به وسیله علم و فن آوری می‌توانیم در دنیا قدرت یابیم؛ زیرا تاریخ معاصر ایران وارث یک عقب ماندگی مزمّن از دوران قاجار و پهلوی می‌باشد. همچنین فرار مغزها که همواره با آن روبرو بوده‌ایم. از سوی دیگر شهادت نخبگان علمی همچون شهید فخارزاده و دانشمندان هسته‌ای را در دوران اخیر داشته‌ایم. در کنار این‌ها از دوران قبل از انقلاب صنعت کشور ما مونتاژ بوده است؛ و هیچ زمان در زمینه صنعتی مستقل نبوده‌ایم. حتی دانش ما در بسیاری از علوم نیز ترجمه‌ای و گاهی نامربوط با نیاز سرزمین ما و نظر بر مشکلات ایران اسلامی بوده است. که اگر به این مسائل توجه نداشته باشیم پیشرفت علمی نخواهیم داشت.

اما راهکارهایی که بتوانیم گام دوم انقلاب را طی نموده و به اهداف آن دست یابیم و حتی به سوی گام سوم انقلاب حرکت نماییم عبارتند از:

۱- رستاخیز علمی و شتاب علمی که باوجود تحریم‌های ظالمانه از سوی استکبار تاکنون پیشرفت خوبی داشته است و باید همچنان ادامه یابد.

۲- صبر، استقامت و جدیت از عوامل دیگر مورد نیاز پیشرفت می‌باشد.

۳- پرهیز از علم غیر نافع که در مناجات‌های ما نیز مطرح گردیده، که (خداوند من از علم غیرنافع به تو پناه می‌برم) یعنی آنکه علم باید انفع و بهترین علوم باشد.

۴- تمرکز بر علوم کاربردی و برطرف کننده و متناسب با مشکلات موجود در کشور تا بتواند گرهی از مشکلات را برطرف نماید.

۵- ورود جوانان به عرصه طبق تاکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب و لزوم اقدام جوانان و اعتماد به آنان و عدم اعتماد به گروههای متحجر، بروکراتها، تکنوکراتها و غرب زده‌ها

۶- پرهیز از موازی کاری و تکرار مجدد در پژوهش‌ها که در حال حاضر نیز در دست اقدام می‌باشد.

البته که ما به همه علم نخواهیم رسید، اما با امید به پیشرفت روزافزون در علم و فن آوری و توسعه و قدرت بیش از پیش کشور عزیزمان باید علم را کسب نموده و حتی از دیگران عبور نماییم.



مقایسه اجمالی انقلاب اسلامی با برخی از انقلاب‌های جهان

مقدمه

در قرن گذشته در برخی از مناطق شرقی و غربی انقلاباتی به وقوع پیوست که غالباً به موفقیت دست یافت، یکی از نمونه‌های موفق آن انقلاب مقدس اسلامی ایران است که برخلاف سایر انقلاب‌ها، از جهت دارا بودن زیربنای ایدئولوژی الهی و باورهای دینی دارای قداست ویژه نیز بوده است. حال، قبل از مقایسه موارد ذکر شده و ورود به بحث اصلی در مورد تعدادی از واژه‌های مشابه نیز توضیحاتی داده می‌شود؛ واژه‌هایی که اندک تقارب معنوی با واژه انقلاب دارد و حتی ممکن است توهم مترادف معنوی در مورد آن شده باشد.

توضیح چند واژه و فرق آن با واژه انقلاب

• **رفرم (اصلاح):** حرکتی است قانونی و تدریجی که تحت فشار جامعه صورت می‌گیرد، و رژیم حاکم هم خودش می‌پذیرد که اصلاحاتی را انجام بدهد، مثل انقلاب مشروطه.

• **شورش:** حرکتی است مردمی در جهت نفی نظام حاکم و علیه دیکتاتور حاکم؛ البته در این حرکت مردم برای جایگزینی برنامه‌ای ندارند، «مرگ بر فلان» دارند، ولی «زننده باد چه کسی؟» مشخص نیست! به عنوان مثال حرکت‌های بیداری اسلامی در منطقه شورش بود؛ مرگ بر قذافی و مبارک می‌گفتند، اما جایگزین نداشتند. این حرکت‌ها به تدریج یا تبدیل به رفرم یا تبدیل به کودتا، و یا حتی جنگ داخلی می‌گردد.

• **کودتا:** حرکتی است توطئه‌آمیز توسط نظامیان داخل حکومت علیه حاکمان، یعنی حرکت از درون حکومت علیه حکومت شکل می‌گیرد. این حرکت فقط برای کسب قدرت است و مردم نقشی در آن ندارند. مثل کودتای ۱۲۹۲ که سلطنت پهلوی بر اساس آن شکل گرفت و یا کودتای ۱۳۳۲ که پهلوی دوم را مجدداً در رأس قرار داد.

• **نهضت‌های استقلال طلبانه:** شورش‌های مردمی هستند برای نفی حاکمیت بیگانه، مثل آن‌چه در هند علیه انگلیس اتفاق افتاد.

• **نهضت‌های جدایی خواهانه:** حرکتی است در گوشه‌ای از مملکت برای جدا شدن از مرکز؛ مثل جدایی بنگلادش از پاکستان.^۳

• **انقلاب:** حرکتی است مردمی، ناگهانی، در جهت تغییر بنیادین ارزش‌ها، ساختارها و رهبری و همین‌طور، توأم با خشونت داخلی.

در ادامه به برخی از انقلاب‌های موفق اشاره می‌شود:

انقلاب‌های موفق

در بررسی انقلاب‌ها با نگاه کلی به شش انقلاب موفق در جهان بر می‌خوریم:

۱. انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) ۲. روسیه (۱۹۱۷) ۳. چین (۱۹۴۹)

۴. کوبا (۱۹۵۹) ۵. نیکاراگوئه (۱۹۷۹)

۶. انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹)



- در این بین سه انقلاب عمده، با سه ایدئولوژی متفاوت به چشم می خورد:
- انقلاب فرانسه در غرب و بر مبنای دموکراسی، لیبرالیسم و آزادی فردی؛
 - انقلاب روسیه بر مبنای مارکسیسم و سوسیالیسم؛
 - انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اسلامی.

چگونگی شکل گیری یک انقلاب

اساس و بنیاد شکل دهنده و آغازگر یک انقلاب تضادی است که در جامعه وجود داشته و یا پدیدار می گردد.

تضاد شکل دهنده انقلاب

انقلاب از تضاد دو قدرت سیاسی حاکم و قدرت اجتماعی به وجود می آید و اگر این دو تضاد وجود نداشته باشد، هیچ گاه انقلاب به وجود نخواهد آمد.

ابزار دو قدرت متضاد

الف- ابزار قدرت سیاسی

قدرت سیاسی، ابزار مادی قدرت را در اختیار دارد.

ب - ابزار قدرت اجتماعی

قدرت اجتماعی، ابزار معنوی قدرت را در بر دارد.

چهار عنصر قدرت سیاسی

ابزار مادی قدرت سیاسی حاکم نیز دارای چهار عنصر به شرح زیر است:

- وضعیت نظامی
 - وضعیت اقتصادی
 - مدیریت سیاسی
 - حمایت خارجی
- ابزار معنوی قدرت اجتماعی نیز سه عنصر مشخص دارد:
- مشارکت مردمی در قدرت
 - رهبری مقبول
 - ایدئولوژی مورد قبول

چگونگی پیروزی یک انقلاب

حالت اول: این است که عناصر قدرت سیاسی تضعیف شود و با این ضعف، قدرت اجتماعی بر آن غلبه کند.

حالت دوم: این است که قدرت اجتماعی آن قدر قوی شود که با وجود قوت و قدرت سیاسی باز هم بتواند بر آن غلبه کند. ما برای مقایسه انقلاب ها، ابتدا باید به مقایسه و شناخت قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی پیش از هر انقلابی پردازیم و این قدرت ها را مورد بررسی قرار دهیم.

مقایسه عناصر حفظ قدرت‌های حاکم قبل از تحقق انقلاب

• قدرت سیاسی

الف- وضعیت نظامی: فرانسه در دوران لوئی شانزدهم درگیر چهار جنگ هفت‌ساله بود و این باعث تضعیف شدید قدرت نظامی فرانسه و نارضایتی نیروهای ارتش شده بود. در روسیه هم همین وضعیت وجود داشت، روسیه در جنگ با ژاپن شکست خورد و بعد هم در جنگ جهانی اول در کریمه در برابر آلمان دچار شکست شد و منجر به فرار سربازان از جنگ شد که همین سربازان فراری در پترزبورگ علیه نیکولای دوم قیام کردند. اما ایران که از زمان فتحعلی شاه قاجار در هیچ

جنگی شرکت نکرده بود، در دوران محمدرضا پهلوی تبدیل شده بود به ژاندارم منطقه و ارتش هم کاملاً وفادار به حکومت بود و مجهزترین سلاح‌ها را هم در اختیار داشت، و در کنار این‌ها یک سازمان مخوف هم به نام ساواک ایجاد کرده بود.

ب- وضعیت اقتصادی: فرانسه و روسیه به دلیل هزینه‌های سنگین جنگ‌ها شرایط اقتصادی خوبی نداشتند درحالی‌که ایران با افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۲ از یک کشور وام‌گیرنده به یک کشور وام‌دهنده و به یک کشور ثروتمند تبدیل شده بود و مشکل اقتصادی نداشت.

ج- مدیریت سیاسی: فرانسه و روسیه از لحاظ مدیریت سیاسی کشور دچار ناتوانی و ضعف شده بودند، اما ایران با هدایت و حمایت مستشاران تکنوکرات و سفرای آمریکا و اسرائیل، وجود وزرای تحصیل کرده و هم این‌که خود شاه نیز فرد تحصیل کرده‌ای بود، از لحاظ مدیریت سیاسی مشکلی نداشت.

د- حمایت خارجی: از این لحاظ هم فرانسه نه تنها حامی خارجی نداشت، بلکه دولت‌های اروپایی برای سقوط حکومت فرانسه تلاش هم می‌کردند، روسیه هم از طرفی خودش درگیر جنگ با آلمان و ژاپن بود و از طرف دیگر دوستانش یعنی انگلیس و فرانسه هم درگیر جنگ بودند و امکان کمک به روسیه را نداشتند. اما ایران حمایت آمریکا و شوروی و حتی چین را داشت و از لحاظ حمایت خارجی مشکلی نداشت.

بنابراین در هر چهار عنصر قدرت سیاسی، ایران قبل از انقلاب تأمین بود و مشکلی نداشت، درحالی‌که فرانسه و روسیه قبل از انقلاب دچار مشکل بودند و با یک تلنگر انقلاب‌ها رخ دادند؛ بنابراین انقلاب‌های روسیه و فرانسه از نوع انقلاب‌های نوع اول هستند که در آن قدرت سیاسی ضعیف می‌شود و قدرت اجتماعی با استفاده از این ضعف بر آن غلبه می‌کند.

قدرت اجتماعی

الف- مشارکت مردمی: انقلاب ایران اولین انقلاب توده‌ای است که در آن همه طبقات جامعه به صورت یکپارچه حضور داشتند و یک قدرت عظیم را ایجاد کردند. در مقابل، در انقلاب فرانسه و روسیه اقلیتی معدود در انقلاب‌ها شرکت داشتند.

ب- رهبری مقبول: در فرانسه و روسیه این رهبری یا اصلاً وجود نداشت یا به صورت پراکنده بود، ولی در ایران از خرداد ۱۳۴۲ یک رهبری بلامنازع وجود داشت که هم مشروعیت داشت و تا ده سال پس از پیروزی انقلاب نیز این رهبری ادامه داشت.



ج- ایدئولوژی: ایدئولوژی در فرانسه برای سقوط لوئی شانزدهم هیچ نقشی نداشت و بعد از انقلاب بود که ایدئولوژی و لیبرالیسم در میان روشنفکران مطرح شد. در روسیه هم ابتدا اصلاً مارکسیسم محبوبیتی در میان مردم نداشت، در انقلاب ۱۹۱۷ نقشی ایفا نکرد، ولی در توجیه تحولات بعد از انقلاب نقشی اساسی داشت. این‌ها در حالی است که در انقلاب ایران، ایدئولوژی انقلاب یعنی اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش در باورهای مردم رسوخ یافته بود؛ بنابراین، قدرت اجتماعی در فرانسه و روسیه ضعیف، ولی در ایران بسیار قوی بود و همین، انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها مستثنی می‌کند.

مقایسه انقلاب ایران و انقلاب فرانسه و روسیه پس از رخ دادن انقلاب

پس از انقلاب در میان سه انقلاب فرانسه و روسیه و ایران شباهت‌هایی از لحاظ ساختاری وجود دارد. حکومت پس از انقلابها از میانه‌روها شروع می‌شود و به رادیکال‌ها می‌رسد؛ اما دو انقلاب فرانسه و روسیه بعد از ده سال منجر به دیکتاتوری می‌شود و مردم به عناوین مختلف از صحنه خارج می‌شوند، در حالی که در انقلاب اسلامی برعکس شد و با دادن حق رأی به همه مردم، انتخابات حتی در شرایط سخت جنگ تحمیلی هم برگزار شد. رهبری هم در انقلاب اسلامی تا زمان رحلت حضرت امام بدون خدشه باقی ماند و بعد از آن هم با آرامش انتقال پیدا کرد و ثبات برقرار ماند. این در حالی است که رهبران در دو انقلاب روسیه و فرانسه به‌جان هم افتادند و حتی ایدئولوژی در این انقلاب‌ها توسط خودشان به چالش کشیده شد، ولی در انقلاب اسلامی اصول قانون اساسی تا به امروز حفظ شده است؛ بنابراین در ایران برخلاف فرانسه و روسیه سه عنصر قدرت اجتماعی با صلابت و قدرت و بدون خدشه حفظ شد

مقایسه انقلاب با سایر انقلاب‌های معاصر در رابطه با توطئه

انقلاب‌های فرانسه و روسیه، نه در بیرون و نه در درون با دشمنان قسم‌خورده مواجه نشدند و توطئه علیه این انقلاب‌ها شکل نگرفت، درحالی که انقلاب اسلامی در طول ده سال اول با هفده توطئه روبه‌رو شد که هدفشان سقوط نظام بوده است. پنج منازعه قومی با هدف تجزیه و نابودی کشور راه‌اندازی شد؛ منازعات خلق عرب، کرد، ترک، بلوچ و ترکمن. به موازات آن، تعدادی گروهک مسلح نظیر فرقان، منافقین، و ... نیز جهت اخلاص دست‌به‌کار شدند و برخی کودتاها شکل گرفت که خنثی گردید. برخوردهای مستقیم و طولانی نیز که در شکل تجاوز و جنگ علیه انقلاب شکل گرفت، از موارد استثنایی بود.

منابع قدرت جمهوری اسلامی

انقلاب، قدرت را باز تعریف کرد و نشان داد قدرتی بالاتر از قدرت مادی نیز وجود دارد. قدرتی که به‌وسیله آن توانسته است استقلال و آزادی خودش را حفظ کند.

• تکیه بر عنایات الهی: خداوند به سه طریق گفته است که شما را کمک می‌کنم:

الف. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ این وعده خداست که راه را نشان می‌دهد و کمک خواهد کرد، اگر ما مجاهده کنیم.

ب. امداد غیبی؛ «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»؛ ما از امدادهای غیبی نمونه‌های فراوانی داشتیم و داریم.

۴ - و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است. عنکبوت، ۲۹

۵ - شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت. و چون به سوی آنان افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند. انفال، آیه ۱۷.

ج. تضمین پیروزی؛ «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ خداوند وعده پیروزی داده است و خودش هم گفته که در وعده‌هایش تخلف نخواهد کرد؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۶

نگاه تاریخی به انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها

تاریخ مدون بشریت به سه دوره قرون قدیم، قرون وسطی و قرون معاصر تقسیم بندی می‌شود. در قرون قدیم، دو امپراتوری ایران و روم حاکم بودند و همیشه در حال جنگ بودند. علم و پیشرفت علمی در جهان غرب و در یونان باستان بوده، ولی در شرق خبری نبوده است. حادثه‌ای که باعث پایان یافتن این دوران می‌شود بعثت پیامبر اسلام (ص) است؛ حادثه‌ای که بعد از آن دو امپراتوری ایران و روم نابود می‌شود و غرب وارد دوران تاریکی قرون وسطی می‌شود و علم در شرق پیشرفت می‌کند. قرون وسطی، اوج انقلاب علمی در جهان اسلام بوده است.

دو امپراتوری عثمانی و واتیکان در دوران هزارساله قرون وسطی حاکم بودند و این شرق بود که قدرت پیدا کرد و غرب به ذلت کشیده شد. در این مدت، غرب دویست سال جنگ صلیبی کرد و شکست خورد و بعد از آن به جنگ نرم علیه شرق پرداخت و موفق شد بر مسلمانان غلبه پیدا کند.

اتفاقی که باعث پایان این دوران شد، رنسانس بود. در نتیجه رنسانس، غرب رشد می‌کند و اوج می‌گیرد و جهان اسلام تبدیل به مستعمره می‌شود و در نتیجه، دو امپراتوری عثمانی و واتیکان از هم می‌پاشند.

بعد از این اتفاق ما وارد قرون معاصر می‌شویم که سیر صد سال طول می‌کشد و پایان‌بخش این دوران، پیروزی انقلاب اسلامی است که پیچ سوم تاریخ است. در قرون معاصر، دو امپراتوری آمریکا و شوروی شکل گرفتند که شوروی از هم پاشید، بعد از فروپاشی شوروی که زمینه تک‌قطبی شدن جهان به‌نفع بود، به‌نظر می‌رسد غرب و به‌ویژه آمریکا نیز از استحکام لازم برخوردار نیست.

بنابراین، انقلاب اسلامی در حال تعریف کردن عصر جدیدی است که می‌توان از آن به‌عنوان قرون جدید نام برد؛ قرونی که اسلام در حال عروج است و غرب در حال افول. به‌همین دلیل می‌گوییم انقلاب اسلامی تمدن ساز است.^۸



۶ - و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز‌مندانند.

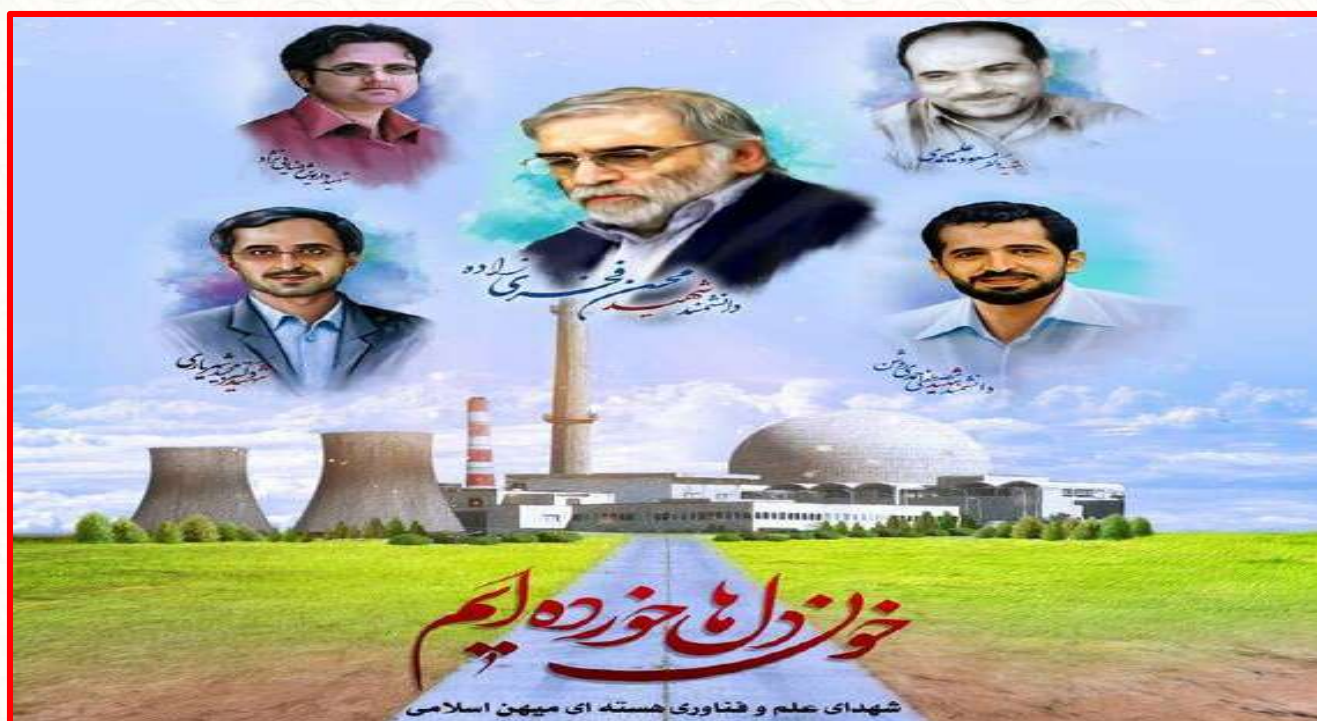
۷ - قطعاً خداوند در وعده [خود] خلاف نمی‌کند. آل عمران، آیه ۹.

۸ - نک: محمدی، منوچهر، درس گفتاری جامع در مقایسه انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان «www.ghasednews.com»

توصیه رهبر انقلاب به دانشگاهیان ودانشگاه ها در بیانیه گام دوم انقلاب

" دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی توانای است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما موكداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمد الله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است..... اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛

اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام؛ ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای این انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخوان و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید."



"السلام عليك يا روح الله الامام الخميني و علي ولديک الطاهرين. مصطفى الشهيد المدفون بارض الغريب و احمد مدفون به جوارک. والسلام على الشهداء الذين بذلوا مهجم دونک"





Jame' of Sheikh Bahae

Internal Magazine of Sheikh Bahae University

